

امام خمینی و رابطهٔ تئوکراسی و دمکراسی

دکتر منوچهر محمدی

در این مقاله ضمن تعریف و شرح دو رژیم تئوکراسی و دمکراسی که از انواع حکومت‌های متداول جهان در گذشته و حال می‌باشند سعی شده است ویژگیها و شاخصهای آنها را ارائه داده و با اصل ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی که مولود انقلاب اسلامی می‌باشد از دیدگاه امام خمینی مقایسه کرده تا موارد تشابه و تضاد این نظام با دو نوع رژیمهای مذکور مشخص گردد.

تئوکراسی که به معنای حکومت خدا است در غرب و در عمل به معنای حاکمیت و اقتدار کلیسا بوده بدون آنکه حاکمیت پادشاهان و حکام جور را مورد سؤال و تزلزل قرار دهد. در حقیقت نوعی دوئالیسم و ثنویت حاکمیت در آن جوامع مستقر بوده و آثار و تبعات آن در قرون قدیم و وسطی موجب ادامه حاکمیت ظلم و جور گردیده و وظیفه کلیسا آرام کردن توده‌های مستضعف آن جوامع و جلوگیری از قیام آنها بر علیه طواغیت زمان بوده است.

اندیشمندان این دوران که همه از اصحاب کلیسا بوده‌اند همچون سنت آگوستین، سنت امبرواز و سن گرگوار با تکیه بر جمله معروف «به قیصر بدهید آنچه را که به قیصر تعلق دارد و بخدا بدهید آنچه را که به خدا تعلق دارد» در ارائه نظریات خود با طرح شهر زمین و شهر خدا، حکومت جسمانی و حکومت روحانی و ... توجیه گر این نوع از حاکمیت دوگانه در قالب نظریه تئوکراسی بوده‌اند.

دمکراسی که معنای آن حکومت مردم می‌باشد و در یونان قدیم مطرح بوده و در قرون معاصر و در حال حاضر نه تنها به عنوان یکی از انواع حکومتها بلکه مدل کمال مطلوب غرب مطرح می‌باشد در عمل نه تنها دمکراسیهای حاکم بر کشورهای غربی بر مبنای آزادیهای فردی و حتی دیکتاتوریهایی چپ‌گرای حاکم بر کشورهای کمونیستی بر پایه سوسیالیسم و با تکیه بر عدالت اجتماعی را در بر می‌گیرد بلکه حتی نظامهای دیکتاتوری حاکم بر کشورهای ازبند استعمار رسته در جهان سوم نیز

خود را مدعی برخورداری از حکومتی دموکراتیک می‌دانند و در حقیقت نه در تئوری و نه در عمل وحدت نظری از ارائه معنا و بیان شاخصها و ویژگیهای دموکراسی وجود ندارد. و اندیشمندان این مکتب همچون لاک، روسو و ... نتوانستند به یک تعریف معین و مورد قبول همه برسند.

و اما نظریه ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی نه به معنای حاکمیت نهاد روحانیت و نه به معنای حاکمیت مردم است بلکه به معنای حاکمیت قوانین الهی بر مردم می‌باشد که توسط رسول خدا(ص) و کتاب آسمانی، یعنی قرآن کریم ارائه گردیده و در غیاب رسول خدا و ائمه اطهار وظیفه و تکلیف فقهای عادل و آگاه به مسائل زمان می‌باشد که حاکمیت قوانین الهی را در جامعه تحقق بخشند و ایشان دارای همان اختیاراتی می‌باشند که رسول خدا و ائمه اطهار بوده‌اند.

در جمهوری اسلامی و به میمنت انقلاب اسلامی که بر پایه سه رکن رهبری فقیه عادل زمان و حضور گسترده ملت مسلمان و با تکیه بر مکتب اسلام به پیروزی رسیده است، نظریه ولایت فقیه در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و با تصویب قانون اساسی شکل گرفت و واقعیت پیدا کرد. در این نظام نه تنها نقش و حاکمیت ولایت فقیه بصورتی برجسته دیده شده است، بلکه برخلاف نظامهای تئوکراتیک در غرب در جای جای این نظام حضور و مشارکت مردم را بر سرنوشته خود مورد توجه قرار داده است و بخاطر این دو ویژگی است که نظام جمهوری اسلامی را نه می‌توان نظامی تئوکراتیک و نه دموکراتیک دانست بلکه این پدیده نظامی تئودموکراتیک می‌باشد که در چارچوبه آن حکومت قوانین الهی در جهت سعادت مردم و از طریق مردم عینیت می‌یابد.